

ظهور و زوال بازارِ کرمانشاه در سدهٔ سیزدهم*

سیاوش قلی‌پور*

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰)

چکیده

این مقاله به بررسی شرایط ظهور و زوال بازار کرمانشاه و نقش آن در ایالت کرمانشاهان در سدهٔ سیزدهم خورشیدی می‌پردازد. رویکرد نظری مقاله مبتنی بر آراء «کارل پولانی» است. روش پژوهش تاریخی و فنون گردآوری داده بررسی اسناد و مشاهدهٔ کالبدی بازار است. داده‌ها نشان می‌دهند که ۱. بازار کرمانشاه همزمان با ارادهٔ کشورهای اروپایی بر تجارت در سدهٔ نوزدهم میلادی، کم‌رونق شدن مسیرهای ترابوزان-تبریز و قفقاز-پوتی-تبریز به دلیل بیماری کرم ابریشم، حفر کانال سوئز و استفاده از کشتی‌های بخار در دجله و فرات، موقعیت استراتژیکی در شبکه مبادلات بازرگانی پیدا کرد که به مدت صد سال پایدار ماند. ۲. بازار از بیرون و با اراده نظام بین‌الملل تحمیل شد و در مناسبات اقتصادی و اجتماعی منطقه «حک» نشد، همچنین نتوانست زمین، کار و پول را وارد مبادله کند. بدین روی، «بازار باراندازی» بود که بیرون از شیوهٔ تولید قرار داشت و نقش آن محدود به شهر کرمانشاه بود. ریخت‌شناسی شهر را تغییر داد و خیل عظیمی از بازرگانان را به شهر کرمانشاه کشاند. ۳. با شروع جنگ جهانی اول بازار از رونق افتاد. «قانون تفتیش اسعار» در سال ۱۳۰۶ ارز ناچیزی را به آن اختصاص داد به طوری که از رمق افتاد و احداث راه‌آهن سراسری ضربه نهایی را بدان وارد ساخت.

مفاهیم اصلی: بازار، بازار باراندازی، حک شدگی، قانون تفتیش اسعار، کرمانشاه

<http://dx.doi.org/10.22034/jsi.2022.523327.1412>

* مقاله علمی: پژوهشی

*. دانشیار گروه آموزشی جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران
gholipoor.sia@gmail.com

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره بیست و دوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰، ص ۲۸-۳

مقدمه و بیان مسئله

از زمان‌های قدیم افراد کالاهای مادی را در بازارهای محلی مبادله می‌کردند. آن‌ها مازاد محصول را با کالاهایی که نیاز داشتند تهاتر و از این طریق احتیاجات خود را برآورده می‌کردند. با توجه به وضعیت اقلیم، انواع بازارها از زمان گردآوری و شکار در سکونت‌گاه‌های مختلف پا گرفتند (نک به سوگا، ۱۳۹۴؛ عجم‌اگلو و رابینسون، ۱۳۹۵) این بازارها به صورت ارگانیک و زاینده شیوه‌های تولید گردآوری و شکار (نوتوفیان^۱)، برده‌داری (حوزه مدیترانه)، فتودالیسم (قاره اروپا و حوزه‌های دریای بالتیک و مدیترانه)، تولید آسیایی (جوامع شرقی) بودند. به میزانی که جاده‌ها و مسیرها اجازه می‌دادند و امکان حمل کالا وجود داشت بازارها پررونق می‌شدند. حمل و نقل دریایی همواره بستر مناسبی برای ترانزیت کالا بود و به نسبت مسیرهای کوهستانی و بیابانی ارجحیت داشت. کشور ایران به عنوان پل شرق و غرب جهان همواره در مسیر کاروانیان بوده و در طول تاریخ بازارهای متعددی در شهرهای آن وجود داشته است. بدین‌روی ریخت‌شناسی شهرهای ایرانی متأثر از بازار بود و بخشی از مرکز شهر به عنوان مکانی سرپوشیده و دالان مانند بنام بازار بدان اختصاص داشت (نک به اشرف، ۱۳۵۳؛ اباذری و قلی‌پور ۱۳۹۱). بنا بر اقتضات تاریخی و متأثر از شرایط اقتصادی و سیاسی بازارها رونق می‌گرفتند و یا به مرور جایگاه خود را از دست می‌دادند.

ایالت کرمانشاهان به جهت اقلیم مناسب (دشت‌های حاصلخیز و رودخانه‌های پرآب)، همواره انبار غله و تولیدکننده گوشت و بسیاری از فرآورده‌های دامی و کشاورزی ایران بوده است (عیسوی ۱۳۶۲؛ گروه ۱۳۶۹؛ رابینو ۱۳۹۳). دو شیوه تولید «کوچ‌روی» و «دهقانی سهم‌بری» مازاد منطقه را به بازار کرمانشاه می‌فرستادند و از آن‌جا به اقصی نقاط کشور و یا حتی بغداد صادر می‌شد. در طول حکومت افشاریه و زندیه بازار محلی در کرمانشاه وجود داشت که محل دادوستد منطقه بود و در مقیاس منطقه‌ای عمل می‌کرد. اما در دوره قاجار کرمانشاه به گره تجاری تبدیل شد و در شبکه روابط اقتصادی جهان جایگاه برجسته‌ای پیدا کرد. شرکت‌های تجاری سایکس، ماسون از انگلستان در کرمانشاه شعبه زدند. روس‌ها سرکنسولگری دایر کردند و حکومت عثمانی «شهبندری» خود را تاسیس کردند تا سهمی از تجارت این بازار پررونق داشته باشند. تا کنون شرایط ظهور این بازار پررونق توضیح داده نشده است و مشخص نیست که چگونه بازار منطقه‌ای کرمانشاه به یکباره به بازارهای بین‌المللی متصل شد. آیا اتفاق خاصی در ارتقاء ابزار تولید رخ داد و محصولات زیادی روانه بازار شد؟ آیا زیرساخت‌های حمل و نقل، جابه‌جایی کالا را تسهیل کرد؟ و یا این بازار از بیرون به ایالت کرمانشاهان تحمیل شد. رابطه این بازار با شیوه تولید اقتصادی و نقش آن در زندگی شهری مورد کندوکاو قرار نگرفته است. بنابراین این مقاله تلاش می‌کند به سه سوال زیر پاسخ گوید.

^۱. Natufians

- ۱- بازار بین‌المللی کرمانشاه در سده ۱۳ خورشیدی چگونه و تحت چه شرایطی ظهور کرد؟
- ۲- ویژگی‌های بازار و مختصات آن چیست و چه تاثیری بر زندگی شهری در ایالت کرمانشاهان داشته است؟
- ۳- چرا در اوایل سده چهاردهم بازار کرمانشاه از رونق افتاد؟

چهارچوب نظری

رویکرد نظری این مقاله مبتنی بر اندیشه‌های کارل پولانی^۱ (۱۳۹۱) در کتاب «دگرگونی بزرگ: خاستگاه‌های سیاسی و اقتصادی روزگار ما» است. این کتاب تحلیل‌های گسترده و پردامنه‌ای دارد و قابل خلاصه کردن نیست بنابراین به فراخور موضوع شاخه‌های از آن مطرح خواهد شد. پولانی در این کتاب از داده‌های انسان‌شناسی و تاریخی زیادی بهره می‌گیرد تا نشان دهد بازار در جوامع باستانی جدای از بافت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نبوده است. وی به رسوم «گولا» و «پتلاج» نزد قبایل ابتدایی، «اصل بازتوزیع» در تمدن‌های باستانی و «سازمان‌دهی خانوادگی» در فنودالیزم اشاره می‌کند که در آن‌ها افراد با ولخرجی و معاوضه کالا به دنبال کسب منزلت و آبرو بودند و انگیزه کسب سود و فروش کالا در میان آن‌ها وجود نداشت. در این جوامع «انسان عمل نمی‌کند تا از منفعت فردی‌اش در تصاحب کالاهای مادی حفاظت کند بلکه عمل می‌کند تا از منزلت اجتماعی‌اش صیانت کند، از مطالبات اجتماعی‌اش و از امتیاز اجتماعی‌اش» (پولانی، ۱۳۹۱: ۱۲۰). پولانی در این بخش مفهوم «حک شدگی» را به کار می‌گیرد تا نشان دهد در جوامع گذشته اقتصاد در مناسبات اجتماعی و اقتصادی حک شده بود و برخلاف ادعای اقتصاد مدرن، اقتصاد نه مستقل بلکه تابع سیاست، مذهب و مناسبات اجتماعی بود. به طور کلی در این جوامع انسان موجودی اجتماعی است تا اقتصادی.

نویسنده با مطالعه دقیق تاریخی از قرن ۱۵ میلادی در اوایل قرن ۱۹ نشان می‌دهد که چگونه زمین، کار و پول به مرور و در جریان روابط اجتماعی و اقتصادی وارد نظام مبادله در بازار شدند و نقش کالایی پذیرفتند. به بیان دیگر بازار خودتنظیم‌گر به سازمان‌دهی جامعه رخنه کرد. در این روند، الگوی بازارها هم عوض شد در ابتدا «شهرها، بازارها را هم در بر می‌گرفتند و حمایت می‌کردند و از رشدشان ممانعت می‌کردند» (پولانی ۱۳۹۱: ۱۴۴). اما دولت موانع تجارت را از بین برد و حوزه آن را تا سطح ملی گسترش داد و بحث رقابت و انحصار را پیش آورد. نتیجه مداخلات دولت عبارت بودند از: «نیروی کار در بازار آزاد تعیین شد؛ پول از ساز و کار خودکار تبعیت کرد؛ و کالاها مجاز شدند به راحتی در مرزهای جغرافیایی حرکت کنند» (پولانی ۱۳۹۱: فصل ۱۲). نتیجه

^۱. Polanyi, K

این روندها تولد «آیین لیبرال» و رشد «بازار خود تنظیم‌گری» شد که در سراسر سده ۱۹ میلادی در جهان مسلط شد. دول اروپایی از جنگ‌های بزرگ اجتناب کردند. انقلاب‌های اجتماعی در کشورهای مرکز به مرور فروکش کردند و اغلب آن‌ها در صلحی نسبی از ۱۸۱۵ تا ۱۹۱۴ بسر بردند که دوره طولانی برای اقتصاد بازار و بازرگانی بین‌المللی بود. تمام کشورهای اروپایی خواهان صلح و تجارت بودند. «تجارت به نظام پولی بین‌المللی بستگی داشت که نمی‌توانست در خلال جنگ عمومی کار کند. صلح می‌طلبید» (پولانی، ۱۳۹۱: ۶۹). بنابراین صلحی صد ساله بر کره زمین مستقر شد و کشورها به تجارت پرداختند.

بنیان‌های صلح صد ساله چهار نهاد توازن قوا، پایه طلا، بازار خودتنظیم‌گر و دولت‌های لیبرال بودند. در این صد سال اراده کشورها بر تجارت بود و از جنگ‌های بزرگ پرهیز کردند. جنگ‌های کوچکی در جهان رخ می‌داد اما با اراده قدرتمندان حل و فصل می‌شد، توازنی در سطح دول بزرگ برقرار شد و نظام مالیه در سطح بین‌المللی کار می‌کرد. آن‌ها برای تجارت نیازمند نظام پولی پایه طلا بودند تا بتوانند کالاها را به نقاط مختلف کره زمین صادر و در هر جایی که لازم بود سرمایه‌گذاری کنند. کشورهای هنگام کسری تراز بازرگانی می‌توانستند با برخی اقدامات مانند کاهش پایه پولی، کاهش واردات و افزایش صادرات کسری خود را جبران کنند. نهاد سوم بازار خود تنظیم‌گر بود که تلاش کرد با مقررات‌زدایی هر گونه قید و بندی را بر روندهای سرمایه از بین ببرد و خوداتکا و خودتنظیم‌گر گردد. «دست آخر به همین دلیل است که کنترل اقتصادی توسط بازار، پیامد چشم‌گیری برای کلیت سازمان‌دهی جامعه دارد: این دقیقاً یعنی اداره جامعه همچون ملحقه نظام بازار. به جای این‌که نظام اقتصادی در مناسبات اجتماعی حک شود، مناسبات اجتماعی در نظام اقتصادی حک می‌شود» (پولانی، ۱۳۹۱: ۲۱). جدایی بازار از جامعه سبب «فک شدگی» آن شد و تلاش داشت که مستقل از جامعه به حیات خود ادامه دهد اما چنین چیزی به طور کامل ممکن نیست. زیرا فک شدگی نوعی آرمان‌شهرگرایی است و هیچ‌وقت به طور کامل محقق نمی‌شود چرا که نتایج آن برای زندگی بشر فاجعه بار است. استدلال پولانی این است که زمین، کار و پول سه کالای موهوم هستند و هرگز به طور کامل کالایی نمی‌شوند. زیرا کالایی شدن کامل آن‌ها سبب تخریب محیط زیست، برداشتن هر گونه سیاست حمایتی از کارگران و رهاسازی قید و بندهای مالی می‌شود که در نهایت با واکنش جامعه روبرو خواهد شد و اجازه نمی‌دهد که فک‌شدگی کامل رخ دهد. جامعه ممکن است به لبه پرتگاه برود اما در نهایت از خود دفاع می‌کند. پولانی از «جنبش مضاعف» در برابر تعرضات بازار آزاد صحبت می‌کند. جنبشی که برخاسته از دل جامعه و نیروهای اجتماعی است. علاوه بر افراد جامعه گاهی کنشگران عرصه اقتصادی نیز به این جنبش می‌پیوندند. چنانچه جنبش‌های اجتماعی و بازار آزاد نتوانند مشکل را حل کنند احتمال دارد ضدجنبش‌هایی مانند فاشیسم به دنبال پیدا کردن راه‌حل باشند و خود بن‌بست دیگری به وجود آورند.

روش‌شناسی

روش بررسی این مقاله تاریخی است. جامعه مورد مطالعه نهاد بازار کرمانشاه در سده ۱۳ خورشیدی است. روش گردآوری داده‌ها اسنادی و مشاهده است. اسناد مورد مطالعه در این پژوهش عبارتند: ۱- سفرنامه‌ها: سفرنامه‌های زیادی در قرن ۱۲ و ۱۳ وجود دارند که اطلاعات فراوانی از وضعیت اقتصادی و بازار ایالت کرمانشاهان ارائه داده‌اند. تمام سفرنامه‌های در دسترس که به زبان فارسی و انگلیسی بودند مد نظر قرار گرفتند. ۲- گزارش‌های اقتصادی: این گزارش‌ها نیز نقش موثری در فهم موضوع داشتند و تا جایی که امکان دسترسی وجود داشت از آن‌ها استفاده شد. ۳- کتب مرتبط با تاریخ اقتصادی: چندین اثر در باب تاریخ اقتصادی ایران در سده ۱۳ خورشیدی وجود دارد که جملگی خوانش و مطالب مرتبط با این مقاله مستخرج گردید. ۴- آرشیو ملی ایران: اسناد مرتبط با بازار کرمانشاه بررسی شدند.

مشاهده: مشاهده دیگر فن گردآوری داده در این مقاله بود. بازار کرمانشاه که ریخت‌شناسی آن همچنان تغییر نکرده بارها و به کرات مورد مشاهده قرار گرفت. با توجه به این‌که نام سازندگان بخش‌های بازار هنوز باقی است مراحل ساخت بازار از طریق مشاهده و تطبیق آن با اسناد و پژوهش‌های مرتبط مشخص شد.

فنون تجزیه و تحلیل داده: داده‌های این مقاله در پنج مرحله تجزیه و تحلیل شدند: سازمان‌دهی داده‌ها؛ طبقه‌بندی داده‌ها؛ واریاسی پژوهش؛ جستجو برای توجیه‌های مختلف این داده‌ها؛ نوشتن و تهیه گزارش (مارشال و راسمن، ۱۳۸۱: ۱۶۲-۱۵۷).

بازار کرمانشاه در دوره زندگی

در دوره زندگی به دلیل امنیت راه‌ها و تاسیس زیرساخت‌ها، بازرگانی در دستور کار قرار گرفت، اما بازرگانی کرمانشاه محلی و کم رونق بود. اولیویه در سال ۱۱۷۵ زمان حکمرانی مصطفی قلی‌خان گزارش می‌دهد: «بازرگانی روس‌ها با ایران به دو میلیون ریال نمی‌رسد. هلندی‌ها و فرانسه به طور کلی ایران را ترک کرده‌اند. انگلستان تجارت با بوشهر را به بصره تغییر داده است و جامعه هدف وی بغداد و شام است و داد و ستد وی با ایران محدود به مرزهای شرقی است» (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۷۹-۱۷۶). به نظر می‌رسد آشوب‌های محلی، شورش میرمهنا و حمله فرانسوی‌ها به بندرعباس در جابه‌جایی دفتر بازرگانی انگلستان از بوشهر به بصره نقش داشت. مسیر بغداد-کرمانشاه تجارت اندکی با عثمانی داشت و «محدود به ادویه‌ها مانند ثعلب، زیره و یا نشادر، تریاک، پادزهر و غیره، چوب گیلاس، پوست بره، تنباکو، ابریشم، شال کرمان، اسب و شتر است که از ایران صادر می‌شود و در مقابل ایران قدری خرما و اندکی برنج و مقدار کمی کالا از فرنگستان وارد می‌کند» (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۸۱-۱۸۰). آنچه که از گزارش اولیویه پیداست علاوه بر بازرگانی محلی

و کم رونق، حضور گمرک و فردی گمرک‌چی است که سعی دارد «تا تفحص بارها و امتعه همراه و سیاق دیوانی کند» (اولیویه، ۱۳۷۱: ۳۰). در منابع معلوم نیست انتقال گمرک از همدان به کرمانشاه چه زمانی صورت گرفته است.

بازار محلی کرمانشاه با شبکه بین‌المللی ارتباط محدودی داشت. «جامعه بازرگان کرمانشاه شامل ۵۰ تاجر خرده‌پا بود که با رفت‌وآمد محدودی در مناطق و ایالات پیرامون عمدتاً بغداد؛ اصفهان، تبریز، کاشان و همدان فعالیت می‌کردند» (امانت، ۱۹۸۳: ۹۳). «در فاصله سال‌های ۱۱۷۹ تا ۱۲۹۳ خورشیدی بازرگانی جهانی حدود پنجاه برابر و بازرگانی خارجی ایران دوازده^۱ برابر شد» (عیسوی، ۱۳۶۲: ۱۰۷). تجارت مصر، ترکیه، سوریه و عراق نیز افزایش چشمگیری داشت. در پایان سده ۱۳ خورشیدی «کرمانشاه به عنوان بندر ورودی کالاهای بریتانیایی و هندی، دست کمی از بوشهر نداشت و حجم معاملات سالانه آن تنها ۱۰ درصد کمتر از بوشهر بود» (فلور، ۲۰۱۸: فصل ۶). کرمانشاه در سده ۱۳ متأثر از شرایط بین‌المللی و داخلی به یک مرکز بازرگانی پررونق و یکی از گره‌های کلیدی شبکه تجاری اتصال ایران با دنیای بیرون تبدیل شد.

ظهور بازار بین‌المللی کرمانشاه

دول اروپایی در سده ۱۹ از جنگ‌های بزرگ اجتناب کردند. اریک هابزباوم (۱۳۷۴) دهه‌های میانی این سده را «عصر سرمایه» نامید. «سال‌های ۶۴-۱۸۳۴ سال‌های رشد تجارت خارجی بود» (عیسوی، ۱۳۶۲: ۲۵). علیرغم جنگ‌های کوچک در مستعمرات توازن قوا برقرار بود. منازعه جدی صورت نگرفت و در صورت بروز توسط قدرت‌های بزرگ حل و فصل می‌شد. اراده آن‌ها بر روابط تجاری با جهان به ویژه مستعمرات بود. بنابراین در سده ۱۳ خورشیدی «اقتصاد ایران با ابتکار سرمایه‌گذاران غربی و تجار ایرانی با اقتصاد نوپای جهانی و بازارهای بین‌المللی وابستگی پیدا کرد» (اشرف، ۱۳۵۹). ایران صادر کننده فرآورده‌های کشاورزی و دیگر مواد خام و وارد کننده پارچه‌های اروپایی و سایر کالاهای تولیدی بود. مناسبات بازرگانی کرمانشاه تحت تاثیر انگلستان، روسیه، عثمانی و آلمان قرار داشت. مسیر بصره-بغداد-کرمانشاه به دلیل هموار بودن، کشتیرانی و خط آهن به مسیر مناسبی برای تجارت تبدیل شد. دورشوار در سال ۱۲۴۱ می‌نویسد: کرمانشاه فرودگاه همه کالاهایی است که از بغداد می‌رسند (۱۳۷۸: ۱۷۷). انگلستان و عثمانی همواره در تامین امنیت این مسیر با حکام محلی همکاری می‌کردند.

تمایل کشورهای اروپایی به بازرگانی، با سرکارآمدن محمدعلی میرزای دولتشاه، فرزند بزرگ فتحعلی‌شاه، و تلاش وی برای آرامش نسبی و رونق بازرگانی همزمان است. به مدت ۱۰۰ سال

^۱ بسیاری از صاحب‌نظران تاریخ اقتصادی ایران این عدد را قابل تردید دانسته‌اند (بنگرید به کاتوزیان، ۱۳۶۶)

(۱۱۸۶-۱۲۸۵ خورشیدی) در منطقه صلح و امنیت برقرار شد. درگیری با کشور عثمانی کم شد و به صلح ۱۰۰ ساله دست یافتند. ایلات و طوایف علیرغم درگیری‌های کوچک و پراکنده تا شورش سالارالدوله در پایان سده ۱۳ هیچ مشکل بزرگ و دوره‌ای به وجود نیاوردند. راهزنان و شورشیان سرکوب شدند و در هنگام فترت دوره محبعلی ماکویی (۱۳۲۷-۱۳۲۳ خورشیدی) نتوانستند مشکل جدی برای بازرگانی به وجود آورند. زیرساخت‌های لازم نظیر کاروان‌سراهای بین‌راهی، ماموران امنیتی جاده‌ها، قوانین عادلانه گمرکی، اراده حکام برای تجارت و کنسولگری بریتانیا، کنسولگری روسیه و اراده عثمانی بر دایر بودن این تجارت جملگی در شکوفایی تجارت کرمانشاه نقش داشتند. علاوه بر این‌ها «آن‌چیزی که کرمانشاه را به عنوان یک مکان جابه‌جایی کالا جذب می‌کرد موقعیت استراتژیک آن بود که به طور یکسان با فاصله ۴۰۰ تا ۵۰۰ کیلومتر از شهرهای بغداد، تهران، اصفهان، رشت و تبریز قرار داشت که برای رفتن به این‌جاها راه‌های مستقیم موجود بود» (کرزن، ۱۹۸۲، ج ۱: ۵۵۸). در عهد قاجار پنج مسیر جابه‌جایی کالا وجود داشت:

۱- ترابوزان-تبریز

۲- قفقاز-پوتی-تبریز

۳- بندرعباس-کرمان-یزد

۴- بوشهر-شیراز-اصفهان

۵- بصره-بغداد-کرمانشاه

دو مسیر (کراچی-قندهار-مشهد-نیشابور) و (ولگا-خزر-رشت) در سده ۱۳ خورشیدی خیلی اهمیتی نداشتند (کرزن ۱۹۸۲؛ رابینو ۲۰۱۸؛ عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۷-۲۳۶؛ دورششوار، ۱۳۷۸: ۷۶-۱۷۵). در دهه‌های نخست این سده، مسیر نخست مهم‌ترین مسیر بازرگانی بود. به مرور این راه کم رونق شد. دو دلیل کاهش اهمیت آن عبارتند از: نخست، کاهش محصول ابریشم ایران به دلیل گسترش بیماری کرم ابریشم (مرض ماسکاردین در سال ۱۲۳۹). در نتیجه قدرت خرید مردم کم شد و بهای حمل و نقل چارپایان به دلیل جنگ ارتش روسیه و عثمانی بالا رفت. دوم، گشایش کانال سوئز در سال ۱۲۴۸ و کشتیرانی با کشتی‌های بخار در دجله و فرات است که مسیر حمل کالاهای اروپایی به ویژه انگلستان به بغداد را کم کرد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۱۱۲).

در نتیجه این تحولات، «راه بغداد-کرمانشاه-همدان-تهران^۱ به یکی از پنج راه تجارت ایران در دوره قاجار تبدیل شد» (چریکف، ۱۳۵۸: ۱۸۷). کنسول بریتانیا گزارش می‌دهد «به طور عملی این

^۱ مسیر بغداد-کرمانشاه-تهران: بغداد-بنی سعد-یعقوبیه-شهرآباد-غزل رباط-خانقین-قصر شیرین-سرپل‌ذهاب-کزند-هارون‌آباد-ماهیدشت-کرمانشاه-بیستون-صحنه-کنگاور-اسدآباد-همدان-مله-گرد-مارک-خرابه-زره-نوبران-شمیران-کوشک-خان‌آباد-رباط کریم-تهران (کرزن، ۱۸۹۲: ج ۱ ص ۵۱؛ رابینو ۱۳۹۳: ۱۳۸-۱۳۷).

تنها راه موجود برای دسترسی به ایران غربی است. ... راه کرمانشاه تامین کننده مناطقی مانند کردستان، همدان و اراک است و حتی به طور جدی با بازرگانی اروپا در اصفهان رقابت می‌کند. یک زمانی بخش خاصی از بازرگانی از تبریز هدایت می‌شد اما الان مقدار اندکی از آن شهر وارد می‌شود. کالاهای روسی مانند نفت، ظروف شیشه‌ای و ابزارآلات که در بازارها به فروش می‌رسند از رشت و از طریق همدان وارد می‌شوند» (دی سی آر، ۱۸۷۹: شماره ۲۲۶۰: ۱۵). مسیر بمبئی-خرمشهر و خرمشهر-بغداد (۶ کشتی بخار به همراه کشتی‌های بادبانی قدیم در دجله و فرات) توسط سیستم حمل و نقل برادران لینچ و از بغداد تا کرمانشاه با چارپایان (اسب، قاطر و شتر) جابجا می‌شد (بنگرید به عیسوی، ۱۳۶۲: ۶۵-۲۶۲ و ۲۵۵؛ دروششوار ۱۳۷۸: ۱۷۷). مسیر بغداد تهران ۳۲۰ کیلومتر کمتر از بوشهر-تهران بود. کشتی‌های بخار فاصله خلیج فارس تا بغداد را از ۴۰ تا ۶۰ روز به ۵ روز کاهش دادند. «کالاهای از بغداد از راه قصرشیرین در کرمانشاه به مسافت ۵۲۰ مایل در عرض ۳۵ روز منتقل می‌شوند» (عیسوی، ۱۳۶۲: ۲۳۹). طولانی بودن جاده بوشهر تهران و کساد مسیر تبریز و ناامن بودن مسیرهای فرعی دیگر^۱، کرمانشاه را تبدیل به مسیر مناسبی کرد که امکان بازرگانی بغداد با فلات ایران را ممکن می‌ساخت. «در سال ۱۲۴۳-۱۲۴۴ خورشیدی ارزش متوسط کل صادرات ولایت بغداد ۵/۸ میلیون پیاستر عثمانی یا معادل ۵۲۰۰۰ دینار بود به‌طور معمول دو سوم صادرات به ایران ارسال می‌شد» (عیسوی، ۱۳۶۲: ۱۸۳). «کل واردات سالانه بغداد حدود ۲۰ میلیون پیاستر عثمانی یا حدود ۱۸۲۰۰۰ دینار رایج در سال ۱۲۴۶ هجری شمسی بود. بیش از نصف این مقدار یعنی ۱۱/۷ میلیون پیاستر از ایران می‌آمد» (عیسوی، ۱۳۶۲: ۱۸۴). «در سال ۱۲۸۰ کل واردات از بغداد ۴۶۷۴۹۹۷۹ قران و صادرات ۹۸۶۷۴۷۷ قران بود. «سال ۱۲۸۵ ارزش کل ۲۶ میلیون مارک، ۱۲۸۶، ۲۹ میلیون مارک، سال ۱۲۸۷ حدود ۳۴ میلیون مارک بود» (گروته، ۱۳۶۹: ۹۹). جکسن در سال ۱۲۸۲ گزارش می‌دهد: «در بازارهای کرمانشاه تجارت و دادوستد محصولات و فرآورده‌های محلی از قبیل غلات، گندم، جو، میوه، صمغ و تریاک با رونق تمام جریان دارد و علاوه بر آن صدور کالاهایی که از طریق آن‌جا صادر می‌گردد و مقداری نیز کالای خارجی نیز در زمره آن‌هاست، بازار گرمی دارد» (جکسن، ۱۳۸۲: ۲۶۹). رابینو می‌نویسد: «در ایران امروز کمتر شهری می‌توان یافت که با وجود ظلم و تعدی حکام محلی و بدی و ناامنی جاده‌ها از لحاظ تجارت به رونق و شکوفایی کرمانشاه باشد. کرمانشاه دروازه ورود همه کالاهایی است که از راه بغداد از انگلستان، هند و خلیج فارس به ایران وارد می‌شوند» (رابینو، ۱۳۹۳: ۴۰).

^۱. گروته در سال ۱۲۸۶ خورشیدی گزارش می‌دهد: دیگر راه‌ها همچون مهاباد-رواندوز (رویین دژ)، سلیمانیه-سقز-بانه، سلیمانیه-مریوان-سنندج، اصفهات-بختیاری-اهواز کوره راه‌های صعب‌العبوری هستند که به درد قاچاقچیان می‌خورند. عبور و مرور از راه بروجرد-خرم‌آباد-دزفول نیز به خاطر نافرمانی ایلات تقریباً امری محال است.

کالاهای خارجی که در بازار حوزه کرمانشاه مبادله می شدند عبارت بودند از: «پارچه‌های نخی انگلیسی یا هندی، قند فرانسوی، سیگارهای دخانیات ترکیه و نوشیدنی‌های دانمارکی (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۴۰)؛ چیت بریتانیا و قند مارس (بایندر، ۱۳۷۰). منسوجات ۲۲ درصد کل واردات را تشکیل می داد (دی سی آر، شماره ۱۱۳: ۱۸۸۷: ۲). نیمی از واردات بریتانیا به ایران از طریق کرمانشاه بود. عمده سهم تجارت کرمانشاه توسط بریتانیا انجام می‌شد. تا سال ۱۲۸۹ سهم روسیه از بازار کرمانشاه حدود ۲۰ درصد ارزیابی می‌شد (کاس، ۱۹۱۱: ۲۷). صادرات کرمانشاه مانند پنبه، صمغ، ابریشم خام، فرش، تنباکو، پشم، تریاک، میوه خشک شده به بغداد و از آن جا به اروپا و عمدتاً بریتانیا و بازار عثمانی ارسال می‌شد. هر دو کشور تلاش کردند که با ایجاد کنسولگری در کرمانشاه سهم خود را بیشتر و شبکه مالی خود را تقویت و مبادله را تسهیل کنند. راه بازرگانی بغداد کرمانشاه پس از ۱۲۵۹ به عنوان مرکز مایحتاج ایران اهمیت زیادی کسب کرد و تاثیرات زیادی بر ایران و شهر کرمانشاه داشت.

نقش بازار بر ایالت و شهر کرمانشاه

بازار برخاسته از بطن مناسبات اقتصادی و اجتماعی نبود و از بیرون و با اراده نظام بین‌الملل بر ایالت کرمانشاهان تحمیل شد. این امر پیامدهای متعددی را بر ایالت و شهر کرمانشاهان داشت که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

الف) تجارت ناشی از پویایی اقتصادی ایران نبود، بنابراین، صنایع داخلی کم کم رو به زوال نهادند. صنایع نساجی اصفهان، کاشان و یزد یارای رقابت با منسوجات منچستر را نداشتند و به شدت تنزل پیدا کردند (بنگرید به فلاندرن ۱۳۵۶؛ اشرف ۱۳۵۹: فصل چهارم؛ عیسوی ۱۳۶۲). تنها صنعت فرش متفاوت بود و در دهه‌های پایانی سده ۱۳ هم تولید و هم صادرات آن افزایش یافت. نیاز بازارهای بین‌المللی به مواد اولیه و صادرات کالاهای صنعتی آن کشورها سبب رشد اقتصادی شده بود. بنابراین، ایرانیان در زمینه صدور مواد اولیه نظیر تریاک، ابریشم، پنبه، تنباکو و خشکبار متخصص بودند و نه در تولید کالاهای صنعتی. صنعت بخش ناچیزی از اقتصاد ایران در عهد قاجار بود و در کرمانشاه اصلاً به چشم نمی‌آمد. بلوشر در هنگامه جنگ جهانی اول گزارش می‌دهد «در کرمانشاه خبری از ماشین نیست هر چه ساخته و پرداخته می‌شود کار دست است و در بازار تهیه می‌گردد، آن هم سلیقه‌ای خوش که به تبعیت و تحت تاثیر نمونه و سرمشق‌های اروپایی منحرف نشده است. به خصوص مسگری و نقره‌کاری کرمانشاهیان ماهرانه است» (۱۳۶۳: ۸۶). گزارش بلوشر نشان می‌دهد صنایع دستی کرمانشاه به پای تهران، رشت، اصفهان، کاشان، تبریز و یزد نمی‌رسیدند. با این وجود، صنایع دستی در تولید بخشی از بازار سنتی نقش ایفا کردند و به گسترش شهر کمک کردند. صنایعی که صرفاً فروش محلی داشتند.

ب) تجاری شدن کشاورزی: کشاورزی به سمت محصولی هدایت شد که در این دادوستد بین‌المللی خریدار داشته باشد. «عمده‌ترین محصول کشاورزی نقدینه آفرین در غرب [کرمانشاه، بروجرد و لرستان] ایران تریاک بود» (سیف، ۱۳۷۳: ۲۱۶). از سال ۱۲۶۴ تا ۱۲۷۹ به دلیل کاشت تریاک، گندم در کرمانشاه به شدت کاهش یافت و کرمانشاه محصول صادرات گندم نداشت. «کمبود غلات اصلی و گرانی نان یکی از پیامدهای اختصاص زمین‌های کشاورزی به کاشت محصولات تجاری بود» (رحمانیان و کرمی، ۱۳۹۷: ۶۳).

پ) مهاجرپذیری: شکوفایی بازرگانی کرمانشاه جاذبه‌ای برای بومیان ایالت کرمانشاه نداشت. ۱) سنت‌های ایلی قدرتمند و ریشه‌دار و وابستگی به قلمرو کوچ (۲) نظام ارباب رعیتی و وابستگی به زمین و ۳) فقدان سنت‌های بازرگانی در ایالت کرمانشاه، عوامل اصلی عدم گرایش مردم به تجارت بودند. بنابراین علاقه‌مندان به این عرصه از اطراف و اکناف ایران به ویژه اصفهان، کاشان، شیراز، شوشتر، یزد، تهران، تبریز، همدان و اراک به این شهر مهاجرت کردند و در کنار تعداد اندکی کرد کرمانشاهی جمعیت بازار کرمانشاه را تشکیل دادند. گروهی در سال ۱۲۸۶ می‌نویسد: «این امر را می‌توان از مهاجرت رو به ازدیاد کلدانیان تجارت پیشه از سنندج و بازرگانان یهودی از بغداد نیز به خوبی دریافت. حتی در ده سال اخیر تعداد زیادی بازرگان تبریزی و اصفهانی نیز در کرمانشاه مقیم شده‌اند» (۱۳۶۹: ۹۹). بازرگانان یهودی از سنندج، بغداد، همدان، بروجرد، نهاوند، تویسرکان، ملایر و خرم‌آباد به این شهر مهاجرت کردند. یهودیان که در طول تاریخ به خاطر اقلیت بودنشان از داشتن زمین و مشاغل سیاسی و اداری محروم بودند، بنابراین ناگزیر به مشاغل غیر اداری مانند طبابت، داروسازی، دوره‌گردی بازرگانی و غیره می‌پرداختند. گرچه آن‌ها در تجارت ایران به طور کلی نقش زیادی نداشتند اما بر اساس مطالعات چارلز عیسوی (۱۳۶۲) آن‌ها در بازرگانی خلیج فارس و بغداد-کرمانشاه بسیار فعال بودند. تجارت پروونق کرمانشاه برای آن‌ها سرزمین فرصت‌های طلایی محسوب می‌شد و «در شرق محله فیض‌آباد سکنی گزیدند» (فلور، ۲۰۱۸: پیوست ۱۳).

کشورهای انگلیس و عثمانی و روسیه در حضور بازرگانان غیر کرد در کرمانشاه نقش داشتند. دولت انگلیس در سال ۱۲۲۹ یک کارگزار بغدادی به نام «خلیل» برای ترفیع بازرگانی و امور بریتانیا منصوب گردید. سال ۱۲۴۹ پسرش «حسن وکیل الدوله» جانشین وی شد (برای اطلاع بیشتر بنگرید به راتین ۱۳۶۲؛ رایت ۱۳۸۱). دولت بریتانیا از آن‌ها حمایت می‌کرد و این خانواده ثروت زیادی را جمع کردند به طوری که وی را «حاج حسن کمپانی» می‌نامیدند. اغلب تجار وابسته آن‌ها شدند و ابتکار عمل آن‌ها از بین رفت. احتشام‌السلطنه در خاطرات خویش می‌نویسد «این پدر و پسر خیلی باهوش و زرنگ بودند. ثروت بی‌حساب و املاک وسیع زرخیزی به دست آورده به هر جایی دست انداخته و بر اکثر اهالی و مالکین و تجار غرب ایران تسلط و اقتدار پیدا کرده بودند و سفارتین انگلیس و عثمانی از تمام اجحافات آن‌ها حمایت می‌کردند» (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۷: ۲۹۸).

کشور عثمانی از سال ۱۲۳۹ یک سرکنسول در کرمانشاه داشت که «باش شهبندر» نامیده می‌شد. «شهبندری عثمانی در کرمانشاه با انتخاب یک تاجر باشی که نمایندگی بازرگانی عثمانی در کرمانشاه را بر عهده داشت» (همدانی، ۱۳۵۴: ۴۶۰) در صدد بود نفوذ اقتصادی اتباع خود را حفظ کند (فلاندن، ۱۳۵۶: ۳۴). هموار تلاش داشت عناصر خود را که عموماً یهودی و عرب بودند را در بازار کرمانشاه به کار بگمارد. کنسولگری روسیه نقش کمتری داشت، نه شهروند و نه بازرگان روسی در کرمانشاه وجود نداشت. فاصله زمینی مرز شمالی تا کرمانشاه عامل مهمی در این زمینه بود. یاسنت لویی رابینو (۱۳۹۱) در فاصله ۱۲۸۱ تا ۱۲۸۶ می‌نویسد: بازرگانان بزرگی در بازار کرمانشاه به واردات و صادرات انواع کالاها می‌پردازند که ویژگی‌های آن‌ها به شرح زیر است.

جدول شماره ۱: ویژگی قومی تجار و صادرات و واردات کالا^۱

قومیت	واردات	صادرات
کاشانی	تنباکو، ابریشم و کالای مسی (از کاشان)	پارچه و کالای خارجی (به کاشان)
یهودی (بغدادی)	کالای خارجی (از بغداد، منچستر و مارسی)	تریاک، جنگ افزار، پوست، قالی (به بغداد، منچستر و مارسی)
یزدی	حنا و ابریشم (از یزد)	کالای خارجی (به یزد)
اصفهانی	قلم‌کار، لحاف، عبا، گز، گیوه (از اصفهان)	پارچه منچستری، آهن، چای، چرم گاو، پشم، گلیم، گز علفی (به اصفهان)
همدانی	نفته، برنج، چیت روسی، شیشه و سخت افزار (از رشت)	خرما، مازو، گریس، روغن، چرم گاو، ادویه، آهن، سرب، کالای منچستر، شیشه (به همدان)
اراقی	قالی، صمغ و تریاک (از سلطان آباد)	شکر، چای و ادویه کالای قماش (به سلطان آباد)

منبع: رابینو، ۱۳۹۳

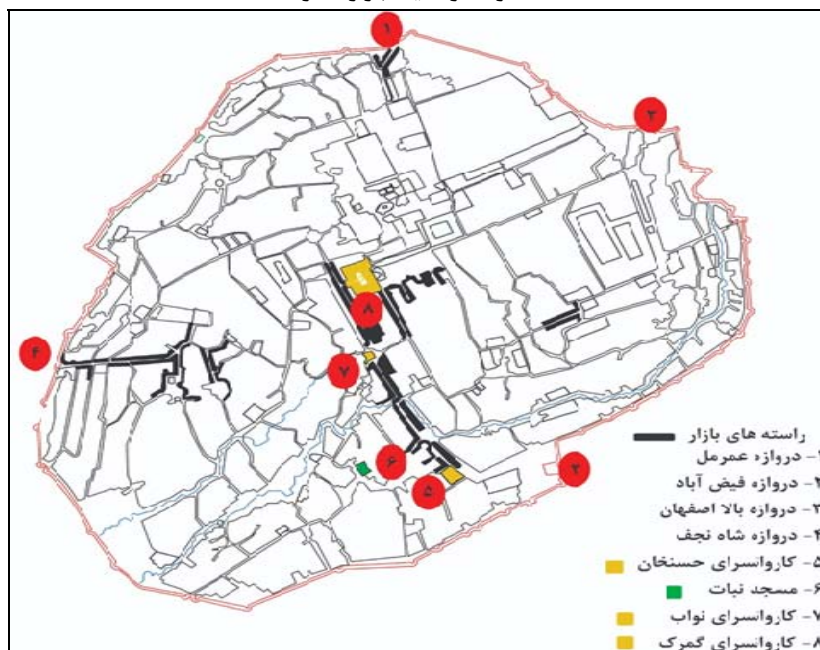
۲۰ نفر از این تاجران تبعه کشور عثمانی بودند. یهودیان ایرانی مقیم کرمانشاه ۷۵۰ نفر بودند که در خرده فروشی و دست فروشی مشغول بودند. بر طبق گزارش رابینو تجار کرد کرمانشاهی از تعداد انگشتان دست بیشتر نبودند.

^۱ کالاهای خارجی که وارد بازار کرمانشاه می‌شوند عبارتند از: آهن، قلع، شیشه، محصولات پشمی و پنبه‌ای، مخمل، اطلس، دارو، رنگ، قند، تولیدات انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و بلژیکی هستند (گروت، ۱۳۶۹: ۹۷).

ج) تغییرات ریخت‌شناسی: بازار در کرمانشاه به لحاظ کالبدی در قامت بازار سنتی محقق شد. بازار با ۱/۲ کیلومتر طول و به صورت مارپیچ از شرق به غرب، گسترش یافته است. در نزدیکی ارگ حکومتی، بازار در کوچه‌های موازی هم ادامه دارد به طوری که طول واقعی آن ۱/۷ کیلومتر است. بازار به مرور زمان شکل گرفت و در پایان سده ۱۳ خورشیدی از دروازه شرقی (پل سید جمعه) تا دروازه غربی (چیا سرخ) کشیده شد. مسیر اصلی عبور و مرور کاروان، بازار (قطب مرکزی داد و ستد) بود و دو طرفش را کاروان‌سراهایی پوشانده بود. محور بازار به عنوان یک مرکز تجاری مهم در مسیر اصلی تهران-بغداد بود. مسیری که از مرکز شهر عبور می‌کرد و در میادین اصلی شهر جایی که مسجد جامع در آن قرار داشت، متمرکز می‌شد. در بخش مرکزی شهر بازار شرقی-غربی به درون مجموعه‌ای از بازارهای مجزا تکثیر می‌شد. بعضی از آن‌ها به موازات بازار اصلی امتداد می‌یافتند در حالی که بعضی دیگر جهت اتصال با مسیرهای ورودی و خروجی اصلی شهر در مسیر شمالی-جنوبی قرار داشتند. مراحل رشد و تکوین بازار در چهار مقطع زمانی صورت گرفت.

مرحله آغازین (۱۱۲۰-۱۱۸۰): قبل از حکومت قاجار، زندها بازاری به نام «تریکه بازار» در محله فیض‌آباد ساختند که کوچک و محلی بود. در دوره قاجار کرمانشاه به محل جابجایی کالا تبدیل شد. «دولت‌شاه [حاکم ایالت کرمانشاهان] تاجر بزرگی بود و تا زمانی که منافعش به خطر نمی‌افتاد تجارت را تشویق می‌کرد» (باکینگهام، ۱۸۰۳: ۱۷۸). وی به خوبی موقعیت استراتژیک کرمانشاه را برای تجارت شناخته بود و ساخت و ساز بازار را تشویق کرد. نکته قابل تامل این که دولت‌شاه ساخت بازار را از تاریکه بازار زندها شروع نکرد و با اندکی فاصله در قسمت جنوبی به ساخت و ساز پرداخت. باکینگهام که در سال ۱۱۹۵ از کرمانشاه دیدن کرده است می‌نویسد: «به نظر می‌رسد کل شهر در وضعیت ساخت و ساز قرار دارد. گویی از دل خاکسترهای شهر قبلی ظهور می‌کند و یا توسط کلونی از ساکنان بیگانه در حال بنا نهاده شدن است. ما اکنون از درون خیابان‌های خوبی عبور می‌کنیم که هر مرحله نسبت به مرحله قبل در حال رشد و توسعه است. گویی همگان در حال جنب و جوش و فعالیت برای مکان جدیدی هستند. مغازه‌ها با زرق و برق تزیین شده‌اند، چشم‌نوازند و خود را بر هر خریداری تحمیل می‌کنند. به نظر می‌رسد هر چیزی که آرزوی آدمی است چه ضروری و چه تجملاتی به وفور وجود دارد. نیمی از این بازارها ساخته شده و نیمی در حال ساخت و مملو از جمعیت هستند» (باکینگهام، ۱۸۰۳: ۱۳۰). بنابراین، در این مقطع زمانی بازارهای بزرگی ساخته شد. این بازارها پهن، پرنور، عریض، قوس‌دار و از خشت ساخته شدند. «تمام خیابان‌ها، بازارها، کاروانسراها و حمام‌هایی که در حال ساخت هستند توسط ساکنان آتی آن‌ها و به اعتبار شاهزاده ساخته می‌شوند تا این مبالغ به جای اجاره سالانه‌شان مورد محاسبه قرار گیرد» (باکینگهام، ۱۸۳۰: ۱۷۹). رپورتاژ (۱۸۱۷) دو سال بعد از گزارش باکینگهام از این بازارها «با طرح و نقشه عالی» یاد می‌کند.

نقشه شماره ۱: وضعیت بازارها در ۱۲۲۹

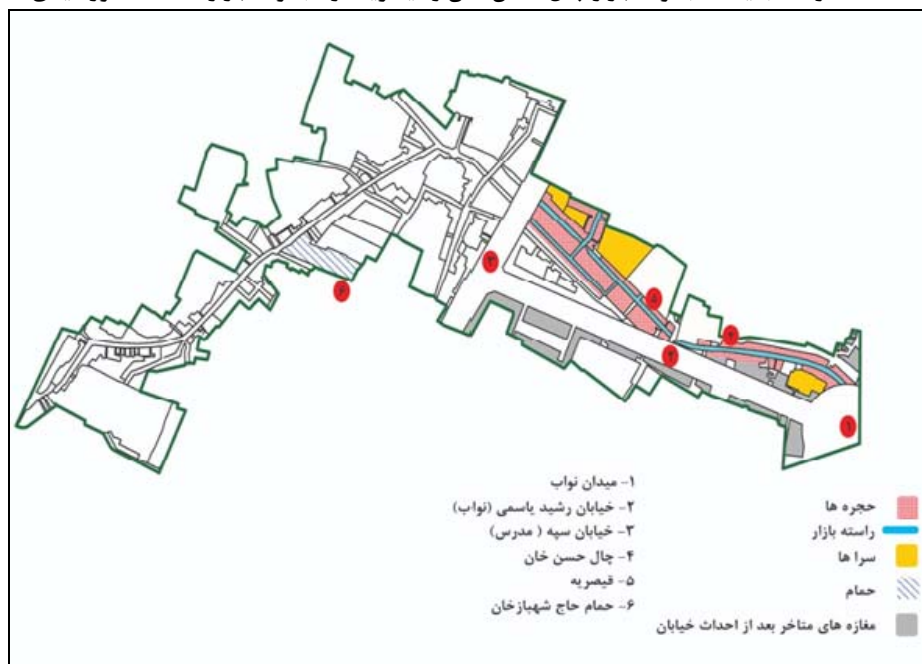


منبع: مهریار ۱۳۷۸. این نقشه توسط چریکف در سال ۱۲۲۹ خورشیدی طراحی شده است؛ بازسازی نقشه: آرش شهبازیان، ۱۳۹۹

بر طبق داده‌های نقشه شماره ۲، هفت بازار در این مقطع زمانی دیده می‌شود. «راسته بازار شاهی و چال حسن خان توسط دولت‌شاه و کلانترش حسن خان^۱ ساخته شدند» (هاشمی، ۱۳۹۲: ۱۰۲). سازندگان دیگر بازارها نامشخص و شاید به صورت مشارکتی ساخته شده‌اند.

^۱ حاج حسن خان کلانتر در دوره حکمرانی دولت‌شاه و حشمت‌الدوله وزیر بودند (کپل، ۱۸۲۷: ۱۵-۲۲-۵۱).

نقشه شماره ۲: جایگاه مجموعه بازار چال حسن خان و قیصریه در مجموعه بازار سده ۱۳ خورشیدی



منبع: کلارک و کلارک ۱۹۶۹؛ باسازی نقشه: آرش شهبازیان ۱۳۹۹

بازارها در ورودی داروزه عمرمل، دروازه فیض‌آباد، دروازه شاه نجف و دروازه بالا اصفهان قرار دارند. ارتباط شبکه‌ای میان آن‌ها برقرار نیست. راسته بازار شاهی، راسته چال حسن خان با دروازه شرقی مجموعه منسجم‌تری را تشکیل می‌دهند و مسیر شرقی را به ارگ حکومتی متصل می‌کنند. عناصر دیگری در بازار ساخته شد که می‌توان به مسجد و حمام حاج شهبازخان اشاره کرد. «حاج شهبازخان [از بزرگان ایل کلهر] بعد از بازگشت از جنگ در قسمت دو دانگ کرمانشاه که وقفی نبود حمام و مسجدی بنا کرد که به علت واقع شدن در این قسمت از شهر [غیر وقفی بودن] هر دو بنای او مورد توجه دین‌داران و مومنان گردید» (سمیعی، ۱۳۶۳: ۲۵۵). برخی مسجد گیوه‌کش‌ها و سرای هادی رحمانی را نیز مربوط به این دوره می‌داند (هاشمی، ۱۳۹۲: ۱۰۴). مسجد نواب عالییه و کاروانسرای وی نیز در این دوره ساخته شدند. کاروانسرا با احداث خیابان رشید یاسمی تخریب شد اما مسجد همچنان باقی است و در نقشه چریکف در سال ۱۲۲۹ با نام مسجد «نبات» جانمایی شده است. غیر از افراد صاحب نام، بقیه بازارها توسط افراد عادی ساخته شدند و باکینگهام به ساخت و ساز آن‌ها اشاره کرده است.

در دوره میانی (۱۲۶۰-۱۲۳۰)، تجارت و به دنبال آن بازار گسترش بیشتری یافت. بازارهای شالیسجار چاریشی و قیصریه چاریشی به دلایل که برای این پژوهش معلوم نیست از بین رفتند اما فعالیت‌های این دوره در امتداد راسته بازار چال حسن‌خان و قیصریه به سمت غرب توسعه یافت و بازار به یک شریان تجاری و نبض اقتصادی شهر تبدیل شد. در این دوره مساجد، سراها، تیمچه‌ها، راسته‌بازارها، چهارسوق‌ها و کاروان‌سراهای زیادی ساخته شد که سبب رشد بازار از «بازارخانه و بازار یهودی‌ها تا انتهای مجموعه وکیل‌الدوله شد» (هاشمی، ۱۳۶۲: ۱۱۰). افراد مشهور زیادی در ساخت این بخش از بازار نقش داشتند. عمادالدوله یک «باب مسجد، چهارسوق، تیمچه، دکاکین واقع در دالان مسجد، کاروان‌سرا و راسته بازار بازارخانه را ساخت و طی سندی در سال ۱۲۸۹ قمری آن‌ها را وقف کرد (کشاوری، ۱۳۸۲: ۴۴۸-۴۴۳). فتح‌اله فراشباشی فرزند حسن‌خان تیمچه (دالان، حجرات و دکاکین متعلقه) فراشباشی را ساخت و طی سندی در تاریخ ۱۲۸۳ قمری آن را وقف کرد (کشاوری، ۱۳۸۲: ۴۸۹-۴۹۲).

نقشه شماره ۳: توسعه بازار در دوره میانی (۱۲۶۰-۱۲۳۰)



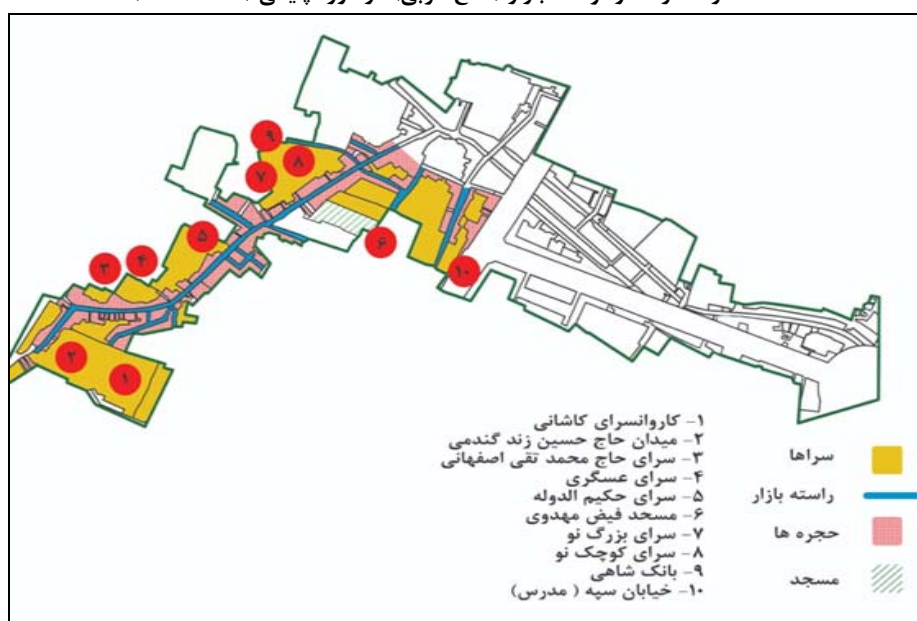
منبع: کلارک و کلارک ۱۹۶۹؛ باسازی نقشه: آرش شهبازیان ۱۳۹۹

حسن وکیل‌الدوله بزرگ تاجر شهر نیز چند سرا، چندین تیمچه، کاروان‌سرا و چندین باب مغازه را در مجموعه وکیل‌الدوله ساخت و آن‌ها را در سندی در تاریخ ۱۳۰۸ قمری وقف کرد (کشاوری، ۱۳۸۲: ۴۸۹-۴۹۲).

۱۳۸۲: ۱۳۲-۱۲۸). علاوه بر افراد توانگر و مشهور تاجران دون پایه تر نیز در این دوره سرای ملاقاسم، رنگرزه‌ها، زرگرها، راسته ترک‌ها، راسته مسگرها، سرای اصفهانی‌ها و سرای خرمافروشان را بنا نهادند.

دوران پایانی (۱۳۰۴-۱۲۶۰): در این دوره اوضاع کشور و ایالت کرمانشاه به لحاظ اقتصادی و اجتماعی مناسب نبود چرا که بازار کرمانشاه یک سایت جابه‌جایی کالا بود خیلی تحت تاثیر مزاد اقتصادی ایالت قرار نداشت و با منطق خودش به حیات ادامه می‌داد. منطق آن برآوردن نیاز کشورهای مرکز بود و نه مناسبات محلی. دولت انگلیس و عثمانی در امنیت راه‌ها تلاش می‌کردند به همین دلیل بازار از رونق نیفتاد و تجار در ساخت ابنیه بازار نقش داشتند. بازار در دو سمت شرق و غرب گسترش یافت. در سمت غرب از مجموعه وکیل‌الدوله به سمت میدان علاف‌خانه و درب تویله گسترش یافت. مساجد، سراها، راسته بازارها و بانک شاهی این بخش از بازار را تشکیل دادند. حاج محمدتقی اصفهانی تاجر معروف اصفهانی در سال ۱۳۳۴ قمری مواردی از قبیل کاروان‌سرای علاف‌خانه، حمام فیروزه، کاروان‌سرای دُم‌کل و ۱۳ باب دکان احداثی و خریداری شده را وقف کرد (کشاورز، ۱۳۸۲: ۷۷۱). حاج محمد مهدی فیض مسجد فیض مهدوی را ساخت. محمد مهدی کاشانی کاروان‌سرای کاشانی را ساخت و در دوره پهلوی اول وقف کرد (کشاورز، ۱۳۸۲: ۵۵۰).

نقشه شماره ۴: رشد و توسعه بازار (ضلع غربی) در دوره پایانی (۱۳۰۴-۱۲۶۰)



منبع: کلارک و کلارک ۱۹۶۹؛ باسازی نقشه: آرش شهبازیان ۱۳۹۹

در سمت شرق نیز معاون‌الملک بنای یک تکیه بزرگ را نهاد که در سال ۱۲۹۹ احداث شد. ظهیرالملک زنگنه روبروی مسجد جامع یک باب کاروان‌سرا و ۱۱ دکان که در سال ۱۲۷۰ ساخته شده بودند «در سندی در سال ۱۳۰۹ قمری وقف کرد» (کشاوری، ۱۳۸۲: ۴۱۰). بدرخان وکیل باشی «یک باب کاروان‌سرا در حوالی چوب فروشان را در تاریخ ۱۳۲۹ قمری وقف کرد» (همان، ۶۷۴). بسیاری از این موقوفات مربوط به سازوکار درونی بازار است. سازندگان بخش‌های زیادی از بازار نامشخص است. از جمله این موارد می‌توان به راسته ترک‌ها، راسته علاف‌خانه، تیمچه سید اسماعیل، سرای حکیم‌الدوله، سرای نو (کوچک و بزرگ)، بانک شاهی و میدان علاف‌خانه اشاره کرد.

فک شدگی بازار

بازار قدیم کرمانشاه در دوره زندگی برآمده از دل نیازهای شیوه تولید منطقه بود. در این بازار کالاهای محلی داد و ستد می‌شدند. ارتباط بازار با نظام سرمایه‌داری بسیار اندک بود، زیرا در اسناد و گزارش‌های سیاحان نشانی از کالاهای بین‌المللی در این بازار نیست. کشاورزی نقدینه آفرین نبود و عمده محصول منطقه غلات و محصولات دامی بود که با امکانات حمل و نقل آن زمان و ناامنی جاده‌ها، امکان جابه‌جایی در مسافت‌های طولانی وجود نداشت. بازار در بطن روابط اجتماعی و اقتصادی منطقه قرار داشت و کالاهایی در آن مبادله می‌شد که محصول شیوه تولید کوچ‌روی و دهقانی سهم‌بری بودند.

وضعیت بازار در دوره قاجار متفاوت شد، زیرا این بازار با شبکه مبادلات بازرگانی جهانی متصل شد و عمدتاً برآورد کننده نیازهای کشورهای انگلیس، عثمانی و روسیه بود و ارتباط آن با شیوه‌های تولید کوچ‌روی و دهقانی سهم‌بری از طریق فروش محصولات و تغییر الگوی کشت بود و نه مناسبات تولید. کار در هر دو شیوه تولید خصلت خاص داشت و کالایی نشد. شیوه تولید کوچ‌روی سهم مهمی در ایالت داشت. ایالت کرمانشاهان زیستگاه ایلات کلهر، سنجایی، گوران، جاف، زنگنه، کاکاوند، غیاثوند، جلالوند، عثمانوند، احمدوند، پایروند، بالاوند، مافی‌وند، نانکلی‌وند، جلیلوند، اولادقباد، کلیایی، هورام، زوله، جمور و ترکشوند در سده ۱۳ خورشیدی بود. *خانوارهای عشایری* تحت عنوان «مال/تخماره» واحد تولید بودند و اعضای خانواده نیروی انسانی آن‌ها محسوب می‌شدند. مازاد محصول عمدتاً مصرف می‌شد و پشم و محصولات گوشتی در بازار کرمانشاه با کالاهایی مانند قند، چای، پارچه و تفنگ تهاتر می‌شد. مناسبات پولی در مقیاسی اندک جهت خرید برخی کالاها انجام می‌گرفت.

در شیوه تولید دهقانی سهم‌بری بر مبنای مزارعه (قرارداد مابین مالک و دهقان) هر کدام بر اساس مشارکت در عوامل تولید (زمین، آب، بذر، گاو و نیروی کار) سهم خود را دریافت می‌کردند (بنگرید به رایبینو، ۱۳۹۵: ۶۶-۶۵؛ فلور ۲۰۱۸: فصل ۵). واحد تولید *خانوار روستایی* بود. اعضای

خانوار در ازای سهم خود از محصول بر روی زمین کار می‌کردند. مازاد محصول توسط مالک و یا پيله‌وران (چرچی) به بازار روانه می‌شد. کار در این شیوه تولید نیز خصلت عام نداشت و به مثابه کالا نبود، به بیان دیگر، دست‌مزد معنایی نداشت.

بدین ترتیب، نه تنها کار کالایی نبود بلکه زمین، مرتع و آب هم به عنوان مهم‌ترین عوامل غیر منقول، کالایی نشدند و مناسبات سرمایه‌ای در بیرون از شیوه‌های تولید قرار داشت. سرمایه خارجی تمایلی به تغییر در شیوه‌های تولید پیش‌سرمایه‌داری در ایالت کرمانشاهان را نداشت. نخست، هزینه‌های ارتقاء ابزار تولید از موانع جدی در این مسیر بودند. دوم، مناسبات تولید و سنت‌های دیرینه آن، اشرافیت ایلی و روابط حقوقی اجازه ورود سرمایه به مناسبات تولید را نمی‌داد. نقطه اتصال سرمایه محدود به خرید محصول بود. بنابراین از طریق اختلاف قیمت در خرید محصول، ارزش اضافی را با کمترین هزینه تخصیص و به کشورهای مرکز انتقال می‌داد.

علاوه بر کوچ‌روی و دهقانی سهم‌بری، شیوه تولید خرده‌کالایی شهری همواره در تاریخ ایران نقش مهمی داشت (نک اشرف، ۱۳۵۹؛ فوران، ۱۳۹۲؛ عباداللهی چندانق، ۱۳۸۹) و به «کمک شاه، دربار و بزرگان کشوری و لشکری به عنوان طبقه‌ای فرادست، نقش فعالی در مفصل‌بندی با سرمایه‌داری بازرگانی داشت» (عباداللهی چندانق ۱۳۸۹: ۱۵۷). در شهر کرمانشاه شیوه تولید خرده‌کالایی پا نگرفت. با این که بازار کرمانشاه دارای تفکیک کارکردی بود و هر کدام از راسته‌بازارها (مسگرها، بنکدارها و ...) تخصصی کار می‌کردند اما کالایی برای صادرات به خارج از مرزهای ایران نداشتند و صرفاً برخی نیازهای ایالت را برطرف می‌کردند.

تمایل حکمرانی محلی برای دستیابی به درآمدهای گمرکی و اراده کشورهای خارجی برای فروش کالا و خرید مواد اولیه، بازار کرمانشاه را به بندری برای جابه‌جایی کالا تبدیل کرد. انگلیس، عثمانی و روسیه برای حفظ و نگهداری این بازار مداخلات خونینی در منطقه داشتند. در جنگ جهانی اول نیروهای انگلیسی و عثمانی از قصر شیرین و نیروهای روسی از همدان منطقه را محاصره کردند. سنجابی (۱۳۹۳) در کتاب «ایل سنجابی و مجاهدت‌های ملی» روایت مداخلات این کشورها و جنگ‌های ویرانگر آن‌ها در دشت‌های کرمانشاهان را با دقت تقریر کرده است. بمباران ایل سنجابی توسط هواپیماهای انگلیس در رودخانه زمکان، کشتار مردم توسط ادوات نظامی پیشرفته روس‌ها در بیدسرخ، هرسین، ماهیدشت، کرمانشاه، جنگ با عثمانی در ذهاب و قصر شیرین، تخریب قلعه‌های مختلف دشت سنجابی و حوادث متعدد دیگر نظیر "قحطی بزرگ" بیانگر سهم‌خواهی این کشورها از مناسبات اقتصادی بود.

افول بازرگانی و محلی شدن بازار

عواقب جنگ جهانی اول دامن‌گیر تمام کشورهای کره زمین شد. پولانی جنگ جهانی اول را نتیجه بازار خودتنظیم‌گری می‌داند که با افسارگسیختگی و سپردن جهان به دست نظام مالی سبب ویرانی تمام‌عیار شد. تمام تلاش کشورها برای بازگرداندن دستاوردهای قرن ۱۹ -نظام پایه پولی، بازار آزاد تجارت و صلح طولانی مدت- بیهوده بود. ارزش پول به کمترین میزان رسید و برخی به خاک سیاه نشستند. مدیریت مالی دغدغه تمام دولت‌های جهان شد. کنترل بر بازرگانی و گمرکات تنها راه نجات کشورها از ورشکستگی کامل بود. تمام پیوندهای بین‌المللی در حال از بین رفتن بود. گرچه بریتانیا تلاش می‌کرد کماکان با وام دادن و اعتقاد راسخ بر ایده لیبرالیسم و درهای باز وفادار بماند اما روسیه و دیگر کشورها سخت‌ترین قوانین را برای حفظ ارزش پول خود اعمال کردند. نتیجه این کنترل شدید و عدم جریان سرمایه در سال ۱۹۳۰ با کاهش سهام در نیویورک سبب رکود و تورمی سرسام‌آور در جهان شد. «بریتانیا از پایه پولی طلا دست کشید، روسیه برنامه‌های ۵ ساله اجرا کرد، آمریکا نیودیل را اجرا کرد، انقلاب سوسیالیستی در آلمان شکل گرفت و نظام بین‌الملل به نفع امپراتوری‌های خودکامه و دیکتاتورهای ناشی از ناسیونالیسم نوین از بین رفت» (پولانی، ۱۳۹۱: ۸۲). تمام کشورها به دور خود حصار اقتصادی کشیدند و برای همدیگر دندان تیز می‌کردند. روسیه همسایه شمالی ما سخت‌ترین قواعد بازرگانی را از سال ۱۹۱۸ اعمال کرد. قوانین انحصار تجارت روس‌ها بازرگانان شمال ایران را ورشکست و «شوک بزرگی به اقتصاد ایران وارد کرد ... صادرات برنج که صد در صد وابسته به بازار روسیه بود، در سال‌های ۱۳۱۰ به بعد به شدت کاهش یافت. ارزش صادرات آن نسبت به کل صادرات ایران در سال ۱۳۰۶ که ۱۰/۴ درصد بود به ترتیب در سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۲ به ۴/۷۵، ۳/۱۵ و ۲/۹۶ درصد از کل صادرات تنزل یافت» (غلامی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۷). این ماجرا برای تمام کالاها صادق بود و به طور کلی دسترسی بازرگانان ایرانی به بازارهای روسی غیر ممکن و بسیاری کالاهای موجود در آن‌جا یا مرجوع نشد و یا به قیمت پایین‌تر از تولید خریده شد.

ماجرای سقوط مالی بین‌المللی و انحصار تجارت در درون دولت-ملت‌ها از دو طریق بر تجارت کرمانشاه تاثیر گذاشت. نخست، سخت‌گیری روس‌ها، کارکرد بازرگانی همدان (مسیر کالاهای روسی به کرمانشاه و اطراف بود) را متوقف ساخت. دولت مجبور به سرمایه‌گذاری در بندر محمره (خرمشهر) و مرمت و بازسازی جاده محمره-خرم‌آباد-تهران شد. این مسیر با اسکان عشایر و بازگشت امنیت بدان پرتدد و بازرگانی شد و «به رقیب جدی برای جاده بغداد-کرمانشاه-تهران تبدیل شد» (لینگمان، ۱۹۳۰: ۷). مورد بعدی مرمت جاده شمال ترابوزان-تبریز-اربیل-روانداز-بغداد بود. زیرا حمل کالا از طریق روسیه دشوار بود. اهمیت بازرگانی این جاده نیز از اهمیت جاده بغداد-کرمانشاه-تهران کم کرد. سیموندز در سال ۱۳۱۴ گزارش می‌دهد: راه بغداد-کرمانشاه-تهران «به

مانند گذشته مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. سهم واردات کالا به بازار کرمانشاه کاهش یافته است حمل و نقل ترانزیتی از بندر خرمشهر و بندر امام خمینی (شاهپور) به تمام راه‌ها بیشتر شده است» (سیموندز، ۱۹۳۵: پنج).

دوم، به سیاست‌های ایران در زمینه بازرگانی بستگی داشت. وضعیت بازرگانی ایران نامناسب بود. سال ۱۳۰۴ تراز بازرگانی ایران ۳۶۰,۰۰۰,۰۰۰ قران کسری داشت. روز به روز ارزش واحد پول ایران کم می‌شد. عواید ارزی دولت رو به کاهش بود. در همین سال دولت قواعد گمرکی قدیم را ملغی و اصلاحاتی مانند تغییر پایه پولی، قانون تجارت (۱۳۰۴)، تاسیس اتاق تجارت (۱۳۰۴)، قانون تعرفه گمرکی (۱۳۰۷)، بانک ملی (۱۳۰۶) و... را در سازمان بازرگانی کشور ایجاد کرد (بنگرید به شجاعی دیوکلانی ۱۳۹۶؛ رستم‌نژاد نشلی و همکاران ۱۳۹۵) اما مشکلات کشور کماکان در جای خود باقی بود. سال ۱۳۰۸ «قانون تفتیش اسعار» و سال ۱۳۰۹ «قانون انحصار تجارت خارجی»^۱ مصوب گردید. به موجب این دو قانون دولت نظارت کاملی بر ورود و خروج کالا، نوسانات ارزی و تراز بازرگانی پیدا کرد. راهی که بیشتر کشورها در آن زمان مانند ترکیه، رومانی، هلند و اروپای شرقی در پیش گرفتند. «به موجب قانون اخیر، حق صادرات و واردات کلیه محصولات طبیعی و صنعتی و همچنین سهمیه و شرایط صادرات و واردات آن‌ها در چارچوب مقررات این قانون به عهده دولت گذاشته شد ... دولت موظف بود در اول تیر ماه، که اول سال اقتصادی محسوب می‌شد، فهرست این کالاها را به اشخاص یا موسسات اعلام و سهم هر یک از اقلام و بندرخانه‌ها را مشخص نماید ... هر صادر کننده موظف بود هنگام صدور کالا از کشور تعهد کند که معادل ارزش برآورد شده صادرات خود را به مدت ۸ ماه از تاریخ صدور با نرخ رسمی به دولت تسلیم نماید» (غلامی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۹). نظارت و مقررات‌گذاری بر ورود و خروج کالا یا انحصار دولت بر تجارت خارجی اثراتی برای کشور داشت: «افزایش درآمد دولت؛ جلوگیری از کم ارزش شدن پول از طریق کنترل واردات کالاهای غیر ضروری؛ مثبت شدن تراز بازرگانی؛ توسعه صادرات کشاورزی، توسعه صنایع و توسعه شرکت‌های تجاری و صنعتی و محدود شدن بازرگانان سنتی» (غلامی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۰-۳۸). با این‌که سیاست کنترل شدید بر گمرک و بازار مخالفان جدی داشت ولی ثمربخش بود. اما این سیاست برای بازار کرمانشاه سرآغاز رکود و به حاشیه رفتن بود.

سیاست‌های اقتصادی دولت برای کرمانشاه ویرانگر بود. کم‌کم بازار از رونق افتاد و به یک بازار محلی تبدیل شد. بازرگانان کرمانشاه بیشتر واسطه فروش محصولات خارجی (مانند کمپانی سایکس و ماسون) و مصرف کنندگان داخلی بودند. ابزار دولت کنترل ارز خارجی برای وارد کنندگان بود.

^۱ نظام‌نامه اجرایی قانون انحصار تجارت خارجی در ۱۷۹ صفحه در سال ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۱ (سند شماره ۳۱۰/۴۴۶۶۴) و در همین زمان قانون مجازات متخلفین در ۴۷ صفحه تدوین و عملی شد (سند شماره ۲۴۰/۱۲۴۸۲).

تجارت کرمانشاه بیشتر مبتنی بر واردات بود. «واردات و جابجایی کالاهای بازرگانی که این شهر را غنی کرده بود، [توسط کنترل ارز] نبود شد» (فلور ۲۰۱۸: فصل پنجم) دولت ارز کمی به واردکنندگان بازار کرمانشاه تخصیص داد و همین امر اهمیت کرمانشاه به مثابه یک شهر بازرگانی را از بین برد. بسیاری از بازرگانان کرمانشاه ورشکست شدند. کمبود ارز در بازار کرمانشاه سبب شد «تجار بغدادی در خصوص ناتوانی بازرگانان کرمانشاهی از پرداخت مطالبات آن‌ها به دلیل قوانین جدید مربوط به اسعار خارجی به شاه شکایت کنند» (سند شماره ۳۱۰/۶۲۲۲). بازرگانان فعال در کرمانشاه نمی‌توانستند کالای زیاد وارد کنند و برای این کار باید به بازارهای داخلی به ویژه تهران روی می‌آوردند انحصار تجارت خارجی، به‌طور کلی برای بازرگانانی که در تهران فعالیت داشتند، مفید بود. «بازرگانان خرده‌پا به ویژه در استان‌ها به دلیل اینکه نمی‌توانستند پروانه صادرات و واردات بگیرند به ناچار از صحنه کنار گذاشته شدند (فوران، ۱۳۸۶: ۳۵۴). دانش بسته بندی نوین و سرمایه زیاد نیز عاملی در کسب پروانه تجارت بود که بسیاری از بازرگانان کرمانشاه توانایی آن را نداشتند.

احداث راه‌آهن سراسری^۱ نیز در افول موقعیت بازرگانی کرمانشاه نقش داشت. از دوره ناصری بحث بر سر احداث راه‌آهن جدی بود (بنگرید به رحمانیان، ۱۳۹۱؛ پاشازاده، ۱۳۹۱). صنایع‌الدوله (۱۳۶۳) اولین رئیس مجلس ایران آن را "راه نجات ایران" می‌دانست. همیشه دو طرح مطرح بود. ۱- طرح انگلیسی: دریای مدیترانه-استانبول-تهران-هندوستان و ۲- طرح آلمانی: برلین-استانبول-بغداد. در اواخر قاجار «آلمان‌ها قصد داشتند راه‌آهن برلین-بغداد به خانقین و سپس به تهران هم برسد» (لیتن، ۱۳۶۷: ۱۵۵). در هر حال راه‌آهن ایران جز چند مسیر کوتاه در دوره قاجار انجام نشد. این طرح در اسفند ۱۳۰۵ توسط دولت رضاشاه به مجلس داده شد و بر خلاف استدلال مصدق که خواهان مسیر شمال غربی به شرق بود، مسیر شمال و جنوب مصوب شد و در مدت ۱۲ سال «با هزینه ۱۲۵ میلیون دلار از محل تعرفه گمرکی قند و چای تکمیل گردید» (مقدم، ۱۹۵۶: ۱۱۶). کرمانشاه و حوزه شهری آن در شبکه راه‌آهن قرار نداشتند و راه بغداد-کرمانشاه-تهران رها شد. حمل و نقل ریلی مهم‌ترین زیرساخت برای جابجایی کالا است و نقش موثری در توسعه دارد. غرب کشور به ویژه منطقه کرمانشاهان از این تکنولوژی مدرن و استراتژیک بدون بهره ماند.

با جنگ جهانی دوم بازرگانی کرمانشاه محدودتر شد و سال‌های بعد نیز تغییری در این رکود ایجاد نشد. دولت ایران از بازرگانی کرمانشاه-بغداد منصرف شد. بازار کرمانشاه برای واردات کالا مجبور شد از واردکنندگان داخلی به ویژه شهر تهران وارد کنند. بازرگانان به جای واردات کالاهای

^۱ راه‌آهن سراسری ایران در مسافت ۱۴۰۰ کیلومتری مسیر خود از خلیج فارس به دریای خزر که در مناطقی ارتفاع مسیر تا ۳۰۰۰ متر از سطح دریا نیز می‌گذرد از روی ۴۱۲۰ پل و از زیر ۲۲۴ تونل که بعضی از آن‌ها ماریج در کوهستان است می‌گذرد. در تکه‌ای میان اندیمشک و درود ۱۰۰ کیلومتر خط در دردم تونل است» (متینی، ۱۳۷۸: ۳۹).

بازرگانی، به داد و ستد بازرگانی درونی، یعنی خرید و فروش مازاد محصولات کشاورزی محلی روی آوردند. بازار پرهیاهوی کرمانشاه که محل مناقشه سه کنسولگری عثمانی، روسیه و انگلستان برای سهم بیشتر در تجارت بود رونق خود را از دست داد. بسیاری از تجار این واقعیت تلخ را پذیرفتند که کرمانشاه سرزمین فرصت‌های طلایی نیست و برای حفظ سرمایه می‌بایست به جای دیگری بروند، همین امر هم رخ داد، ابنیه بازار رو به ویرانی نهاد و بازار باراندازی کرمانشاه دوباره به یک بازار محلی تبدیل شد.

نتیجه‌گیری

کم رونق شدن مسیرهای تجاری ترابوزان-تبریز و قفقاز-پوتی-تبریز به دلایل رکود صادرات ابریشم؛ اراده دول اروپایی به ویژه انگلستان بر تجارت؛ حفر کانال سوئز؛ استفاده از کشتی بخار در حمل و نقل کالا در دجله و فرات؛ و امن بودن مسیر کرمانشاه-بغداد از جمله عوامل مهم در توجه بازرگانان به مسیر بغداد-کرمانشاه-تهران بودند. داده‌ها حاکی از آن هستند که بازار کرمانشاه برخاسته از نیازهای درونی ایالت نبود. ارتقاء فنی و تکنولوژیک در ابزار تولید، مازاد محصول و زیرساخت حمل و نقل سبب بالندگی آن نشد بلکه نیازهای نظام سرمایه‌داری این بازار را به کرمانشاه تحمیل کرد تا از این طریق بتواند بخشی از بازار ایران را در اختیار بگیرد و کالاهای خود را به فروش برساند. کالاهایی که بخش زیادی از آن‌ها تجملاتی بودند و جزو نیازهای اساسی محسوب نمی‌شدند. در عین حال با قیمت زیادی به مردم فروخته می‌شد برای مثال در سال ۱۲۸۶ «دو کالای وارداتی چای و شکر هر کدام به ترتیب هر من^۱ ۱۴ و ۵ قران بودند و گوشت هر من ۲ قران» (رابینو ۱۳۹۳: ۱۳۱-۱۳۰). صادرات ایران عمدتاً مواد اولیه بودند که به شکل مناسبی هم بسته بندی نمی‌شدند. بازار کرمانشاه در درون مناسبات اقتصادی و اجتماعی منطقه «حک» نشده بود و بیرون از آن قرار داشت. بازار، سایتی بود که صرفاً کالاها از آن‌جا به درون فلات ایران جابه‌جا می‌شدند و کالاهای ایرانی نیز از آن طریق به بازار بغداد و بندر محمره می‌رفتند. بازار نتوانست زوایای مختلف زندگی را به کالا تبدیل کند. کالاهای موهوم زمین، کار و پول خارج از نظام بازار قرار داشتند. بازاری برای زمین وجود نداشت و کماکان به صورت تیول در ازای خدمات نظامی و یا پرداخت مالیات و سهم‌الاجاره واگذار می‌شد. بقیه زمین‌ها به صورت بزرگ مالکی و خرده مالکی در اختیار ایلات و طوایف بود. کار دست‌مزدی وجود نداشت. کوچ‌روان خویش‌فرما بودند و بخش کشاورزی به صورت دهقانی سهم‌بری اداره می‌شد.

^۱ هر من معادل سه کیلو بود.

«فک شدگی» بازار دو دلیل عمده داشت: نخست، ارتقاء ابزار تولید و زیرساخت‌های حمل و نقل هزینه زیادی برای سرمایه خارجی و داخلی داشت. بنابراین هیچکدام از کشورهای انگلیس، روسیه، عثمانی و یا بازرگانان داخلی و دولت ایران اراده‌ایی برای سرمایه‌گذاری در این زمینه نداشتند. دوم، اشرافیت ایلی و مناسبات ارباب-رعیتی موانع جدی در مسیر سرمایه بودند. زیرا سنت‌های ایلی (عصبیت)، یاریگری و وابستگی رعیت به زمین مداخله سرمایه‌دار در مناسبات تولید را دشوار می‌ساختند. بنابراین، اتصال سرمایه‌داری با ایالت کرمانشاهان از طریق خرید محصول منطقه بود که ارزش اضافی (اختلاف قیمت در خرید و فروش کالا) را به کمک حکمرانان محلی و بازرگانان به کشورهای اروپایی، عثمانی و روسیه انتقال می‌داد. بدین ترتیب، بازار در بطن مناسبات تولیدی منطقه قرار نداشت. حوزه‌ای منفک بود که از منطق درونی خود پیروی می‌کرد و نیروی خود را از اراده دول خارجی و اراده دولت در اخذ عوارض گمرکی می‌گرفت. بنابراین «بازار باراندازی» مناسب‌ترین نام قابل اطلاق بدان می‌باشد. به همین دلیل با از بین رفتن توازن قوای بین‌المللی و سقوط پایه طلا در جنگ جهانی اول موقعیت آن متزلزل شد و «قانون تفتیش اسعار» آن را از رونق انداخت. احداث راه‌آهن سراسری ضربه نهایی را بدان وارد ساخت تا به همان بازار محلی دوره زنده تبدیل شود.

فک شدگی بازار بدان معنی نبود که در شهر کرمانشاه نیز تاثیری ندارد. ریخت‌شناسی شهر از طریق بازار سنتی و متعلقات آن نظیر کاروان‌سرا و قهوه‌خانه‌ها تغییر کرد. افزون بر این، قشری از بازرگانان شهرهای مختلف و دول خارجی برای ۱۰۰ سال در شهر ساکن شدند. آن‌ها نقش موثری در رونق شهر و سازمان‌دهی فضایی آن در دوره قاجار داشتند.

منابع

- اباذری، یوسفعلی؛ قلی‌پور، سیاوش (۱۳۹۱)، «فضای اجتماعی شهر کرمانشاه در عهد قاجار»، *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، دوره ۲، شماره ۱، صص ۳۷-۹.
- احتشام السلطنه، میرزا محمودخان (۱۳۶۷)، *خاطرات احتشام السلطنه*: به کوشش محمدمهدی موسوی، تهران: زوار.
- اشرف، احمد (۱۳۵۳)، «ویژگی‌های تاریخ شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، *نامه علوم اجتماعی*، دوره ۱، شماره ۴.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹)، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه*، تهران: زمینه.
- اوبن، اوژن (۱۳۶۲)، *ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶: ایران و بین‌النهرین*، ترجمه، علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.

- اولیویه، جی (۱۳۷۱)، *سفرنامه اولیویه: تاریخ اقتصادی اجتماعی ایران در دوران آغازین عصر قاجار*، ترجمه محمد طاهر میرزا، تهران: انتشارات اطلاعات.
- بایندر، هنری (۱۳۷۰)، *سفرنامه هنری بایندر*، ترجمه، کرامت اله افسر، تهران: فرهنگسرا.
- بلوشر، ویپرت (۱۳۶۳)، *سفرنامه بلوشر*، ترجمه، کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- پاشازاده، غلامعلی (۱۳۹۱)، «راه‌آهن و ترقی از نگاه اندیشمندان عصر ناصرالدین‌شاه»، *پژوهش‌های تاریخی*، دوره ۴، شماره ۴، صص ۷۰-۵۷.
- پولانی، کارل (۱۳۹۱)، *دگرگونی بزرگ: خاستگاه‌های اقتصادی و سیاسی روزگار ما*، ترجمه محمد مالجو، تهران: شیرازه.
- جکسن، ابراهام (۱۳۵۲)، *سفرنامه جکسن: ایران در گذشته*، ترجمه، فریدون بهدره‌ای، تهران: خوارزمی.
- چریکف، کلنل (۱۳۵۸)، *سیاحت نامه مسیو چریکف*، ترجمه آبکار مسیحی، به کوشش علی اصغر عمرانی، تهران: جیبی.
- دوروششوار، ژولین (۱۳۷۸)، *خاطرات سفر در ایران*، ترجمه، مه‌رآت توکلی، تهران: نی.
- رایینو، یاسنت (۱۳۴۳)، *گزارشی از بازرگان و جامعه شهر و ایالت کرمانشاه*، ترجمه، فریبرز همزه‌ای، کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- رایت، دنیس (۱۳۸۱)، *انگلیس‌ها در میان ایرانیان*، ترجمه خسرو پورخسرو، شیراز: هفت اورنگ.
- رائین، اسماعیل (۱۳۶۲)، *حقوق بگیران انگلیس در ایران*، تهران: جاویدان.
- رحمانیان، داریوش (۱۳۹۱)، «مساله راه‌آهن ایران در عصر قاجار»، *پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، شماره ۱۱، صص ۱۰۴-۹۱.
- رحمانیان، داریوش و کرمی، شایان (۱۳۹۷)، «مطالعه تاریخی پیامدهای تجاری شدن کشاورزی در غرب ایران (مطالعه موردی کرمانشاه و لرستان)»، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، سال ۱۰، شماره ۲۰، صص ۴۷-۷۰.
- رستم‌نژاد نشلی، علی؛ منتظرالقائم، اصغر و فیاض انوش، ابوالحین (۱۳۹۵)، «بررسی سیاست‌ها و چالش‌های اقتصادی ایران در بحران اقتصادی ۱۹۲۹: مطالعه اسنادی»، *تحقیقات تاریخی*، شماره ۲۶، دفتر ۳، صص ۳۵-۶.
- سمیعی، کیوان (۱۳۶۳)، *زندگانی سردار کابل*، تهران: ژوار.
- سنجایی، علی‌اکبر (۱۳۹۳)، *ایل سنجایی و مجاهدت‌های ملی ایران: خاطرات علی‌اکبرخان سنجایی*، *سردار مقتدر*، تهران: شیرازه.
- سوجا، ادوارد (۱۳۹۱)، *بساکلانشهر*، ترجمه نرگس خالصی مقدم، تهران: علمی فرهنگی.
- سیف، احمد (۱۳۷۳)، *قرن گم‌شده: اقتصاد و جامعه ایران در قرن نوزدهم*، تهران: نی.
- شجاعی دیوکلانی، سیدحسین (۱۳۹۶)، «سازمان‌دهی اقتصادی تجاری ایران در عصر پهلوی اول ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۹»، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، سال ۸، شماره ۱۴، صص ۱۲۲-۹۱.

- صنیع‌الدوله، مرتضی‌قلی‌خان (۱۳۶۳)، *راه نجات، به کوشش هما رضوانی*، تهران: تاریخ ایران.
- عبداللهی چندانق، حمید (۱۳۹۸)، «اقتصاد سیاسی شهر در ایران پیشاسرمایه‌داری: مطالعه موردی عصر صفویه»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۱، شماره ۳، ۱۷۴-۱۴۶.
- عجم‌آغلو، دارون و رایبسون، جیمز (۱۳۹۵)، *چرا کشورها شکست می‌خورند*، مترجمان، پویا جبل‌عاملی و محمدرضا فرهادی‌پور، تهران: دنیای اقتصاد.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران: عصر قاجاریه*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
- غلامی، شهرام؛ رحمانیان، داریوش؛ ظریفیان، غلامرضا و فصیحی، سیمین (۱۳۹۰)، «قانون انحصار تجارت خارجی ایران ۱۳۰۹: زمینه‌ها، اهداف و پیامدها»، *تاریخ اسلام و ایران*، سال ۲۱، شماره ۱۱، صص ۲۵-۵۵.
- فلاندن، اوژن (۱۳۵۶)، *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه، حسین نورصادقی، تهران: اشرفی.
- فوران، جان (۱۳۹۲)، *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
- کشاورز، اردشیر (۱۳۸۲)، *زندگان عرصه عشق، مجموعه استاد وقفی اداره کل اوقاف و امور خیریه استان کرمانشاهان*، کرمانشاه: طاق‌بستان، ج ۱ و ۲.
- گروته، هوگو (۱۳۶۹)، *سفرنامه گروته*، ترجمه مجید جلیلود، تهران: مرکز.
- لیتن، ویلهلم (۱۳۶۷)، *ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحمایگی (۱۹۱۹-۱۸۶۰م)*، ترجمه مریم امیراحمدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مارشال، کاترین - راسمن، کرچمن (۱۳۸۱)، *روش‌های تحقیق کیفی*، ترجمه علی پارسائیان، سید محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- متینی، جلال (۱۳۷۸)، «دکتر محمد مصدق، راه‌آهن سراسری و سلطان احمد شاه»، *ایرانشناسی*، سال ۱۱، شماره ۱، صص ۱-۳۵.
- مهریار، محمد (۱۳۷۸)، *اسناد تصویری شهرهای ایرانی دوره قاجار*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- هابزباوم، اریک. جی (۱۳۷۴)، *عصر سرمایه ۱۸۷۵-۱۸۴۸*، ترجمه علی‌اکبر مهدیان، تهران: ما.
- هاشمی، سیده میترا (۱۳۹۲)، «تاریخ ساخت بازار کرمانشاه: با نگاهی به حامیان و بانیان بناهای آن»، *صفه*، دوره ۲۳، شماره ۴، صص ۹۹-۱۱۴.
- همدانی، فریدالملک (۱۳۵۴)، *خاطرات از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۳۴ هجری قمری*، گردآورنده مسعود فرید قراگوزلو، تهران: زوار.

Amanat, Abbas (1983), *Cities & Trade: Consul Abbott on the Economy and Society of Persia 1847-1866*, London: Ithaca press.

Buckingham, J. S (1803), *Travels in Assyria, Media and Persia*, Weatmead.

Clark, J and Clarke, B (1969), *Kermanshah: A provincial city in Iran*, Durham University.

- Curzon, G. N (1892), *Persia and the Persian Question*, vol 2, London.
- Floor, Willem (2018), *Kermanshah: City and Province 1800-1945*, Washington dc, Mage Publication.
- Keppel. G (1827), *Personal Narrative of Journey from India to England*, London: Henry Colburn.
- Ker porter, R (1817), *Travel in Georgia, Persia, Armenia, Ancient Babylonia*, London.
- Kuss, Walter (1911), *Handelsratgeber fur Persian*, Berlin.
- Lingman, E, R (1928), *Report on Finance and Commerce of Persia 1925-1927*, London: HMSO.
- Moghadam, G. R (1956), *Iran Foreign Trade Policy and Economic Development in the Inter War period*, ph. D thesis, Stanford university. p: 116.
- Simmonds, S (1935), *Economic conditions in Iran (Persia)*, London: HMSO.

سندهای آرشیو ملی

(۳۱۰/۶۲۲۲؛ ۳۱۰/۴۴۶۶۴؛ ۲۴۰/۱۲۴۸۲)

سندهای دیپلماتیک و گزارهای کنسولی دولت بریتانیا

DCR 2260 (Isfahan, 1876-99).

DCR 113 (Report on Trade and Industries on Persia by Mr Herbert, 1887)